

رابطه تولید ملی و توسعه



میزگرد علمی با حضور آقایان: دکتر داود دانش‌جعفری (استادیار دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر عباس معمارنژاد (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس کل گمرک ایران)، دکتر یحیی آل اسحاق (دکترای مدیریت استراتژیک و رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران)، دکتر جمشید پژویان (دکترای اقتصاد از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا و رئیس شورای رقابت)، دکتر مهدی‌رضا درویش‌زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، دکتر ایمان حقیقی (دانشجوی دکترای اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مدرس دانشگاه)، دکتر محمد عابد (دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع))، دکتر سیدمحسن یحوی (دکترای مدیریت بازرگانی) و مهندس سیدمرتضی نبوی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام).

دکتر داود دانش‌جعفری: یکی از محورهای قابل تأمل، چرایی و ضرورت توجه به تولید ملی است. آیا تولید ملی، دارای ضرورتی مقطعی است که بنا به شرایط موجود اتفاق افتاده است یا دارای ضرورتی بنیادی است که باید در اقتصاد ایران به‌وجود بیاید؟ محور دیگر بحث تعریف تولید ملی است. اگر تعریف درستی از تولید نداشته باشیم، نه‌تنها در عمل،

مستقیمی برقرار است و نرخ رشد اقتصادی حداقل هشت درصد نیز باید تجربه شود تا به اهداف تعریف‌شده در چشم‌انداز بیست ساله برسیم. می‌توان ابتدا تعریف، ضرورت‌ها و موانع تولید ملی را بررسی کرد تا در مراحل بعد به راهکارها پرداخته شود. جناب آقای دکتر دانش‌جعفری منتظر شنیدن نظرات جنابعالی هستیم.

■ ضمن تشکر از اساتید و پژوهشگران حاضر در میزگرد؛ همان‌طور که مطلع هستید، سال ۱۳۹۱ به نام سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام گرفته است. افزایش تولید ملی، ضرورت‌ها، موانع و راهکارهایی دارد. برخی از موانع تولید ملی، داخلی بوده و برخی نیز خارجی هستند. بین تولید ملی و توسعه نیز رابطه

بلکه مباحث نظری هم بی‌نتیجه خواهند بود. مطلب دیگر در مورد مدل‌هایی است که ما را به اهداف تولید ملی می‌رساند. بیشتر مشکلاتی که اقتصاد ایران از آنها رنج می‌برد، ریشه در عدم طراحی مدل‌های مناسب دارد. در بسیاری از موارد، تشخیص‌ها و اهداف درست هستند ولی راهی که منتهی به آن اهداف می‌شود، به درستی انتخاب نمی‌شود.

در مورد ضرورت توجه به تولید ملی می‌توان گفت ضرورت‌های بسیاری از گذشته وجود داشته که در قالب بحث‌هایی مثل چشم‌انداز، یا در الگوی پیشرفت و عدالت یا در ذیل مباحث جهاد اقتصادی و... بدان‌ها توجه شده است. کارنامه اقتصادی ما در تولید خلاصه می‌شود و ارتقای آن، ضرورتی بنیادی در اقتصاد است، اگر مسئله تولید ملی حل نشود، آثار منفی خود را در بیکاری، تورم و... نشان می‌دهد.

در شرایط زمانی حاضر، ضرورت‌های مقطعی هم بر ضرورت‌های بنیادی اضافه شده است. ضرورت‌های مقطعی مانند تحریم‌ها، شرایطی را به وجود آورده که اگر در ساز و کارهای اقتصادی تغییراتی ندهیم، اختلال جدی در روند کارها ایجاد خواهد کرد. بنابراین باید راهکاری برای ضرورت‌های مقطعی هم پیدا کرد. البته توجه به راهکارها در چارچوب یک برنامه بلندمدت، مفیدتر است و حتی می‌تواند ضرورت‌های مقطعی را هم پوشش دهد. بحث دیگر در مورد تعریف تولید است.

برداشتی که عموم مردم از تولید دارند با تعریفی که اقتصاددانان دارند، متفاوت است. عموم مردم فکر می‌کنند تولید به معنای تولیدات کارخانه‌ها یا تولیدات کشاورزی است، در حالی که تولید در اقتصاد هم شامل تولید کالایی است و هم شامل تولید در بخش خدمات. ارزش افزوده‌ای که در بخش خدمات صورت می‌گیرد، می‌تواند از نظر حسابداری ملی،

در شرایط زمانی حاضر،
ضرورت‌های مقطعی هم بر
ضرورت‌های بنیادی اضافه
شده است. ضرورت‌های
مقطعی مانند تحریم‌ها،
شرایطی را به وجود آورده
که اگر در ساز و کارهای
اقتصادی تغییراتی ندهیم،
اختلال جدی در روند کارها
ایجاد خواهد کرد.

به‌عنوان تولید محسوب شود. مثلاً یک عمل جراحی قلب، در حسابداری ملی، عمل ارزشمندی محسوب می‌شود که اگر چه در بخش خدمات است، ولی نوعی تولید است. خدمات سایر بخش‌ها مانند خدمات بیمه، حمل و نقل، آموزش و ... هم نوعی تولید هستند ولی در نگاه عمومی جامعه، خدمات جایگاه مناسبی ندارد.

سهیم بخش خدمات در اقتصاد ما حدود ۵۰٪ است. در بعضی از اقتصادها مانند آمریکا و ژاپن، سهم بخش خدمات به ۷۳٪ از کل اقتصاد رسیده است. در بخش صنعت و کشاورزی، بسیاری از نیازهای خود را بهتر برطرف می‌کنیم تا بخش خدمات. یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ما در بخش اقتصادی، در خدمات نوین اقتصادی است. با توجه به تعریف تولید که شامل خدمات، کشاورزی و صنعت است، ضعف ما در بخش خدمات است و از طرفی هم نیاز زیادی به توسعه این بخش داریم. نگاهی که خدمات را معادل دلالتی می‌داند، نگاه درستی نیست و باید به رونق بیشتر خدمات پردازیم و از این طریق تولید ملی را افزایش دهیم.

مطلب دیگر در مورد مدل‌هایی است که ما را به هدف می‌رساند. در راهکارها و مسیری که ما را به هدف می‌رساند، ضعف‌های بسیاری داریم. به‌عنوان نمونه در سخنان مقام معظم رهبری به سرمایه ایرانی اشاره شده است، ما چه مدلی داریم که سرمایه ملی و مورد نیاز اقتصاد ایران را تأمین کنیم؟ به طور کلی بحث نظام



مالی، یعنی گردش مالی در نظام اقتصادی ما چگونه است؟ نظام مالی در کجا به وجود می‌آید؟ متقاضیان کجا هستند؟ ظرفیت تولید اعتبار در سیستم بانکی، مهم‌ترین بخش مالی است. بخش مالی در اقتصاد شامل بانک‌ها و بازارهای مالی (مانند بورس) و بیمه است که تأمین‌کننده نیاز مالی اقتصاد هستند. در اقتصاد ما بورس در تأمین مالی، نقش بسیار جزئی دارد. یعنی اگر کارخانه ایران خودرو سالیانه چهار هزار میلیارد تومان نیاز مالی دارد، سؤال این است که این مبلغ را چه کسی باید به ایران خودرو بدهد؟ در کشورهای دیگر این وابستگی به بانک وجود ندارد. یعنی اگر ایران خودرو در کشوری دیگر بود و نیاز داشت که چهار هزار میلیارد تومان فراهم کند، سهام جدید چاپ می‌کرد و آن را در بورس عرضه می‌کرد. ولی در ایران تمام این کار با بانک انجام می‌شود، ۴۹٪ ظرفیت تولید ناخالص داخلی کشور، ظرفیت تولید اعتباری است که در بانک صورت می‌گیرد و جای بورس در این تولید اعتبار، خالی است. در مورد اعتبارات خارجی هم مشکلات زیادی به وجود آمده و نباید روی آن خیلی حساب باز کرد. تنها جایی که فعلاً تأمین‌کننده نیازهای مالی اقتصاد است، سیستم بانکی است. با توجه به مشکل معوقات بانکی، خود این سیستم هم از درون دچار بحران است.

تأمین مالی، مثالی بود که نشان می‌دهد ضروری است که در بخش مدل‌ها متمرکز شویم. نیازهای مالی ممکن است برای سرمایه‌گذاری‌های خرد باشد (مانند کسب و کار) یا برای پروژه‌های بزرگ نفتی که به پنج هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری نیاز دارد. ما چه روشی داریم که این نیازهای مالی تأمین شوند؟ به دلایل مختلف ما نمی‌توانیم فقط به بانک اتکا کنیم. اگر نیاز مالی مطرح شود، همانجا متوقف می‌شویم. نیاز به مدل نه تنها در تأمین مالی، بلکه در تمام موارد دیگر اقتصادی نیز مطرح است. به نظر من مشکلات مالی در اقتصاد ایران، بیشتر از سایر بخش‌هاست. به طور

کلی آنچه ذیل «اقتصاد نوین» در دنیا مطرح است، مباحث مالی و اطلاعات ICT است که ضعف در آنها داریم. اگر مشکل سرمایه ایرانی را در اقتصاد به طور کامل حل نکنیم، فقط در همان حد که مشکلات مالی حل شده است، می‌توانیم پیشرفت کنیم. تمرکز دنیا نیز روی تحریم‌های مالی است. تلاش دشمن این است که ما را از منابع مالی دور کند، حتی منابع مالی که متعلق به خودمان است.

در آخرین صحبتی که در اتحادیه اروپا پیرامون تحریم‌های ایران بوده، گفته بودند که باید از معاملات تهاتری ایران هم جلوگیری کرد تا ایران نتواند نیازهای مالی خود در معاملات را از طریق فروش کالاهایی مانند الماس و طلا تأمین کند. یعنی اگر ایران خواست چند هزار میلیارد دلار در بازار خرید کند، ولی به دلیل تحریم‌ها پول نداشت که بپردازد، نباید به جای پول از ایران طلا و الماس قبول کرد؛ مگر اینکه نیاز دارویی و غذایی باشد. این مطلب نشان می‌دهد که توجه آنها روی نیازهای مالی است، ولی ما توجه لازم را بدان نداریم.

▣ **به نظر می‌رسد که اصلاح روش‌های تأمین مالی بر اصلاح مفاصل اقتصادی هم تأثیر زیادی داشته باشد. آقای دکتر حقیقی بفرمایید.**
دکتر ایمان حقیقی: در بحث از تولید ملی،

لازمه توسعه صادرات این است که وابستگی متقابل به بقیه کشورها افزایش پیدا می‌کند و اشتغال نیز افزایش می‌یابد و سرمایه، گردش بیشتری پیدا می‌کند و وارد تولید می‌شود.

این سؤال مهم است که سطح تولید ملی را چه چیزی تعیین می‌کند؟ در تعیین سطح تولید ملی توجه به جانب تقاضا و عرضه ضروری است. در جانب عرضه، میزان تولید بر اساس سرمایه موجود، نیروی کار، بهره‌وری و ... تعیین می‌شود. در جانب تقاضا، چند عامل بر تقاضای داخلی تأثیرگذار است؛ علاوه بر درآمد ملی، تفاوت قیمت کالای داخلی و خارجی و کیفیت آنها از عوامل تعیین‌کننده هستند. لذا برای افزایش سطح تولید باید به این عوامل توجه داشت. اما به نظر می‌رسد در محافل سیاسی توجه کمتری به عوامل درون‌زا در جانب تقاضا شده است؛ به شکلی که به جای توجه به قیمت نسبی کالاهای داخلی و خارجی و همچنین کیفیت آنها، تنها سیاست ارشادی و توصیه جایگزینی کالای داخلی و مصرف کالاهای داخلی در پیش گرفته شده است.

در خصوص توسعه تولید و رشد اقتصادی در مباحث اقتصاد توسعه، دو رویکرد کلی وجود دارد: رویکرد توسعه صادرات و رویکرد محدودیت یا جایگزینی واردات. لازمه توسعه صادرات این است که وابستگی متقابل به بقیه کشورها افزایش پیدا می‌کند و اشتغال نیز افزایش می‌یابد و سرمایه، گردش بیشتری پیدا می‌کند و وارد تولید می‌شود. ولی با توجه به شرایط فعلی کشور و وجود تحریم‌ها، پیگیری این استراتژی، دشوار بوده و نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی همه‌جانبه است. متأسفانه به نظر می‌رسد در صورت فقدان برنامه‌ریزی رویکرد نامناسب جایگزینی واردات انتخاب می‌شود که در اقتصاد توسعه هم توصیه نشده است. در رویکرد محدودیت واردات یا جایگزینی واردات، این مطلب مطرح است که چون نمی‌توانیم با دنیا تعامل داشته باشیم، خودکفا شویم. برای خودکفایی ممکن است تحریم‌ها را از جانب خودمان افزایش دهیم و برای واردات به کشور، تعرفه‌های بیشتری وضع کنیم و البته تحریم کشورهای خارجی نیز این اثر را تشدید می‌کند.

نتیجه محتوم رویکرد محدودیت واردات، کاهش رفاه و قدرت خرید مردم است. مشکل دیگر این رویکرد این است که باعث افزایش قاچاق می‌شود و اگر نتوان آن را کنترل کرد، کالای خارجی به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شود و هدف اولیه که افزایش تولید بوده است، محقق نمی‌شود.

در رویکرد جایگزینی واردات، به اشتباه ادعا می‌شود که وقتی با بقیه کشورها ارتباط نداشته باشیم، در تعاملات سیاسی بین‌المللی هم بهتر می‌توانیم حرف‌های خود را پیش ببریم. اما تجربه نشان داده است آنچه قدرت چانه‌زنی بین‌المللی را افزایش می‌دهد، توسعه صادرات و افزایش تعامل با سایر کشورهاست.

اگر نگاه ما بخواهد نگاه توسعه صادرات باشد، با همه قیدها و محدودیت‌هایی که وجود دارد، باید برگردیم به همان دو عامل مهم و تعیین کننده سطح تولید، یعنی عرضه و تقاضا. عوامل مؤثر بر عرضه غالباً بحث شده‌اند (سرمایه، ریسک و نااطمینانی). در خصوص تقاضا هم کیفیت و قیمت کالای داخلی مهم است، که باید به نحوی صحیح مدیریت شود.

□ آقای دکتر درویش زاده، نظر شما در این باره چیست؟

دکتر مهدی رضا درویش زاده: من علاقه‌مندم که کمی جزئی‌تر به موضوع میزگرد پرداخته شود. وقتی تولیدکننده‌ای می‌خواهد درباره تولیدش برنامه‌ریزی کند، ابتدا به امکان‌سنجی اقتصادی می‌پردازد که در این رابطه چند عامل را مورد بررسی قرار می‌دهد. مهم‌ترین عامل مورد بررسی، بازار است. متأسفانه بازار کشور ما در اختیار خودمان نیست، بلکه در اختیار مارک‌ها و برندهای خارجی است که بدون هیچ امتیازی بازار ایران را در اختیار گرفته‌اند. ما از این شرکت‌های خارجی چه امتیازی می‌گیریم که یک بازار هفتاد و پنج میلیون نفری را در اختیار آنها قرار داده‌ایم؟ در حالی که اگر یک تولیدکننده داخلی بخواهد وارد بازارهای

خارجی شود، با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. ما بازارهای خودمان را از دست داده‌ایم. برای پرداختن به تولید ملی، باید بازارهای داخلی را اصلاح کرد. اگر ما بازار را در اختیار تولیدکنندگان خارجی قرار می‌دهیم، باید امتیاز متناسبی هم از آنها دریافت کنیم.

عامل دوم، فناوری است. تحریم‌ها باید ما را وادار می‌کرد که به سمت دانش داخلی برویم. معمولاً پروژه‌های دکتری که در دانشگاه‌های غربی دفاع می‌شود، پروژه‌هایی است که شرکت‌ها، سفارش می‌دهند. با این کار، هم شرکت به هدف خود می‌رسد و هم دانشجویی که به دنبال اخذ مدرک دکتری است. استفاده نکردن از نیروهای دانشگاهی باعث شده است تا افرادی را که با پول مردم رشد کرده‌اند و مهم‌ترین سرمایه کشورند، با مهاجرت به خارج از کشور در خدمت شرکت‌های خارجی درآیند و از طرفی کشور در شرایط تحریم از وجود چنین نیروهایی بی‌بهره شود. بنابراین برای تحقق شعار سال باید چنین بستری برای اصلاح شوند؛ یعنی وضعیت بازارهای کالا، سیستم تأمین مالی و استفاده از نیروهای داخلی اصلاح شوند. از عوامل دیگری که در این رابطه بسیار مهم است، موضوع فساد مالی و اداری است. فساد به مفهوم عام آن، نقشی بسزا در مشکلات اقتصادی دارد. فساد بر تأمین مالی اثر منفی گذاشته و بازار کشور را در اختیار شرکت‌هایی قرار می‌دهد که نه به دلیل صلاحیت، بلکه به دلایل رانتی رشد کرده‌اند. برخورد جدی با فساد یکی از ضرورت‌های مسلم برای اصلاح و افزایش تولید ملی است که در این رابطه علاوه بر همکاری دولت، نقش مجلس و به‌ویژه قوه قضائیه بسیار مهم است.

□ جناب آقای دکتر یحیوی نظر شما در این زمینه چیست؟

دکتر سیدمحسن یحیوی: به نظر من نام‌گذاری سال جدید، در امتداد

نامگذاری‌های سال گذشته قابل تحلیل است که با توجه به تحریم‌های موجود، ضرورت این نام‌گذاری مشخص می‌شود. وقتی مردم به خرید محصولات داخلی توصیه می‌شوند، باید زمینه‌ها و حداقل‌هایی در این مورد اندیشیده شود و برای این امر لازم است که کالای تولید داخل، کیفیت و مرغوبیت کالای خارجی را داشته باشد. اگر این‌طور نباشد، چگونه می‌توان از مردم توقع داشت که کالاهای بدون کیفیت را خریداری کنند؟ اگر ما محدودیت در واردات به‌وجود بیاوریم، و عرضه و تقاضای کالا به هم بخورد، ممکن است برخی از تجار یا واسطه‌ها قیمت کالا را طوری افزایش دهند که توان خرید آن برای بسیاری از مردم وجود نداشته باشد. بنابراین در تولید، کنترل تولید صحیح حتماً باید انجام شود.

به این مطلب اشاره شد که چون توجه به بازار صادرات، دشواری‌های خاصی دارد، به دنبال آن نمی‌رویم. در صادرات هم کیفیت مهم است و هم رقابت قیمتی. امروزه ما با کدام کشور دنیا رقابت قیمتی داریم؟ کیفیت کالاهای ما (به غیر از برخی محصولات) قابلیت رقابت با چه کشورهایی را دارد؟ بنابراین نیاز است که هم عوامل کاهش قیمت فراهم شود که با نرخ بهره ۲۱٪ نمی‌توان چنین کاری را انجام داد و هم قابلیت رقابت در کیفیت کالاها.

اشاره شد که مجلس می‌تواند مؤثر و مفید باشد. نیاز به یک ساماندهی جدی، فراگیر و همه‌جانبه است تا بتوان به اهداف تولید ملی دست یافت. به عنوان مثال قانون کار به چه میزان به افزایش تولید ملی کمک می‌کند؟ اصلاح این روند، نیاز به ساماندهی فراگیری دارد که تا زمانی که وحدت سیاستگذاری نداشته باشیم و در اجرای قوانین کسی اجازه تخطی از آن را نداشته باشد، نمی‌توان به موفقیت دست یافت.

برای دستیابی به اهداف تولید ملی، یک حرکت عمقی لازم است، نه شعار.



دولت‌هایی که متکی به درآمدهای مالیاتی هستند، چون نیازمند دریافت مالیات از مردم‌اند، در قبال عملکردها و تصمیمات خود در مقابل مردم پاسخگو هستند و این امر به شکوفایی اقتصاد آنها کمک شایانی می‌کند و دولت نیز در پرتو آن کارآمدتر می‌شود. از طرف دیگر رضایت مردم از مسئولان باعث پرداخت به‌موقع مالیات توسط آنان می‌شود.

سهام واردات کالاهای مصرفی در کشور بیشتر از ۲۲٪ نیست. این روند تقریباً طی سال‌های مختلف، یکسان بوده است. هنگام صحبت از تولید ملی، اگر قرار است تولید ملی ارتقا پیدا کند، نیاز است که کالای واسطه‌ای، مواد اولیه و کالای سرمایه‌ای وارد کشور شود. ولی اینکه خودمان مواد اولیه تولید کنیم، باید توجه کرد که آیا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است یا خیر؟ توجیه اقتصادی دارد یا خیر؟ قابلیت رقابت داریم یا خیر؟ و ... توجه به برداشت نادرست از تولید ملی بسیار مهم است.

برای تقریب به ذهن، کل محصولات مصرفی وارداتی ما از مسیر رسمی هفت میلیارد دلار بوده است که اگر کالاهای قاچاق را هم مصرفی در نظر بگیریم، حدود ۲۰ میلیارد دلار است. ولی حدود ۵۵ میلیارد دلار از کالای وارداتی ما یا کالای واسطه‌ای است یا مواد اولیه و یا سرمایه‌ای. مطلب دیگر اینکه به نظر من سرمایه ملی

که باید سیاست جایگزینی واردات را اتخاذ کنیم. سیاست جایگزینی واردات، ۰۴ سال پیش در دنیا شکست خورده است و کشورهایی که به این سمت رفته بودند، موفق نشدند. نمونه توسعه صادرات یا استراتژی برون‌گرا در آن دوره، کره جنوبی بود. برزیل هم با تغییر سیاست جایگزینی واردات بود که توانست اقتصاد ششم دنیا شود. هند هم نتوانست سیاست درون‌گرا را ادامه دهد و به سیاست برون‌گرا برگشت. بنابراین تولید ملی را نباید به معنای جایگزینی واردات دانست.

مطلب دیگر درباره واردات (با حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد تغییر) این است که ۷۲٪ از واردات کشور، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای است، ۱۶٪ کالاهای سرمایه‌ای و فقط ۱۲٪ کالای مصرفی است. اگر مسیر غیررسمی (قاچاق) را هم در نظر بگیریم و کل محصولات وارد شده از مسیر غیررسمی را کالای مصرفی در نظر بگیریم،

حمایت از سرمایه و امنیت سرمایه ضروری است. دلیل اینکه پشت سر هم بانک‌های خصوصی افتتاح می‌شوند، وجود سرمایه درون کشور است. سرمایه‌های زیادی در کشور وجود دارد که باید برای آنها امنیت ایجاد کرد. اگر سرمایه‌ها در بخش تولید به درستی هدایت شوند و قانون هم بر اساس حمایت واقعی از مصرف‌کننده تنظیم شده باشد، با تغییر کیفیت کالا و ایجاد قابلیت رقابتی، شرایط تولید ملی هم در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت. در کنار این موارد، کنترل بازار هم ضروری است تا قیمت‌ها به دلخواه افراد افزایش نیابد.

جناب آقای دکتر معمارنژاد، جنابعالی چه ترسیمی از عنوان میزگرد و مطالب مطروح شده دارید؟

دکتر عباس معمارنژاد: وقتی که شعار سال به نام تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مطرح شد، سؤال مطرح می‌شود که چرا کلمه «حمایت» قبل از تولید ملی نیامده است؟ چرا عنوان مربوطه: سال حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی نشده است؟ تحلیل من از این نحوه چینش کلمات این بود که استراتژی ما باید برون‌گرا باشد، نه درون‌گرا.

به نظر من تفسیر «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایران» این است که ما در تولید ملی باید یک استراتژی برون‌گرا داشته باشیم و تولید ما همراه با رقابت با تولیدات بین‌المللی ارتقا پیدا کند؛ یعنی هم از نظر قیمت و هم کیفیت با محصولات خارجی قابل رقابت باشد. چون در دنیای امروز بستن مرزها، پاسخگوی مشکلات نیست. تحریم هم به این معنی نیست که کالا در اختیار ما قرار نگیرد، بلکه فقط زحمت و هزینه دستیابی به کالا بالا می‌رود. به یک معنی تحریم کالا در دنیای امروز ناممکن است.

این تلقی اشتباه از «تولید ملی» وجود دارد که باید جلوی واردات را بگیریم؛ چرا که این برداشت غلط هنوز هم وجود دارد



از کار و سرمایه ایرانی، عاملین چه کسانی هستند؟ دولت و مردم‌اند؛ نقش دولت و مردم چیست؟ مردم را باید هم به‌عنوان صاحبان عوامل تولید و هم به‌عنوان مصرف‌کننده کالا و خدمات در نظر گرفت.

□ **جناب آقای دکتر آل اسحاق، جنابعالی چه نظری درباره تولید ملی و فلسفه این نام‌گذاری دارید؟**

دکتر یحیی آل اسحاق: اگر بخواهیم ادراکی‌تر به این مقوله بپردازیم، باید علت توجه به این شعار را بدانیم. دو عامل عمده به نظر مطرح بوده است: مسائل بیرونی کشور، یعنی تحریم‌ها و شرایط داخلی کشور که طی چند سال گذشته، ظرفیتی در کشور ایجاد شده ولی استفاده بهینه از آن نمی‌شود. یعنی از نظر نیروی انسانی، حرکت عظیمی ایجاد شده است که از آن استفاده درستی نمی‌شود و از دست می‌رود. ماشین‌آلات و سخت‌افزار مناسبی فراهم است که با ظرفیت بسیار کمی کار می‌کنند و سرمایه‌های عظیم مالی و غیرمالی در دست داریم که استفاده بهینه از آن نمی‌کنیم. در مجموع از ۵۰٪ ظرفیت‌های موجود در کشور استفاده نمی‌کنیم. بحث دیگر در حوزه مسائل خارجی است که دشمن رسماً اعلام جنگ کرده است. دشمن طرح جنگی، نقشه، برنامه و ستاد دارد.

به‌علاوه، ما هم اهدافی را برای خود اعلام کرده‌ایم که می‌خواهیم بعد از زمان معینی به شورای اقتصادی تعریف‌شده‌ای برسیم. این فضای عمومی است که وجود دارد. در چنین شرایطی انتخاب شعار سال به نام «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» درست و حساب‌شده است. ترجمه عملیاتی این شعار به عمل، کار دشواری است و نیاز به ستادی خاص دارد تا این شعار تبدیل به برنامه عملیاتی شود. وقتی وارد حوزه عملیاتی شویم، الزامات خاصی وجود دارد. در مرحله عمل، پروژه‌های باید برخورد کرد. عاملان آن باید مشخص

تولید ملی این است که چقدر بتوانیم ارزش افزوده در کشور ایجاد کنیم. چقدر رفاه را بالا ببریم و چه مقدار ثروت ملی تولید کنیم. چقدر کار ایجاد کنیم؟ برداشت غلط از تولید ملی، عدم توجه صحیح تولید ملی و الزامات تولید ملی، یکی از اشتباهاتی است که مرتکب می‌شویم.

را در سطح کشور ایجاد کرد؟ ما اگر توان رقابت با یک محصول خارجی را هم نداشته باشیم، باز هم اشتغال از بین نمی‌رود، چون همین اشتغال با خدمات پس از فروش ایجاد می‌شود. نکته بعدی این است که در اقتصادهای پیشرفته دنیا، ۳ تا ۴ درصد سهم کشاورزی، ۲۰ تا ۲۵ درصد سهم صنعت و بقیه‌اش سهم خدمات است. این نکته‌ای است که باید به آن توجه کرد؛ ما باید به سمت تولیداتی برویم که ارزش افزوده بالاتری دارند. ما در علم تولیداتی داریم که تا ۳۰۰۰ درصد ارزش افزوده دارند ولی در کشاورزی و صنعت، در برخی از کالاها بین ۵ تا ۲۰ درصد ارزش افزوده می‌توان داشت. آیا نباید روی این موارد دقت و هزینه گذاشت؟

در بحث از موانع، موانع قانونی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم وجود دارد که همگی در قالب فضای کسب و کار مطرح می‌شوند، برای راهکارها هم باید عاملین را شناخت. در تولید ملی و حمایت

با سرمایه ایرانی، متفاوت است. سرمایه ایرانی، به غیر از سرمایه‌های ملی، شامل سرمایه‌هایی می‌شود که در اختیار ایرانیان خارج از کشور است و شاید شعار سال بدین مسئله هم اشاره داشته باشد که باید کاری کرد که سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور هم در داخل سرمایه‌گذاری شود. نکته بعدی اینکه تولید ملی، فقط در حوزه صنعت نیست. اینطور نیست که فقط با ایجاد کارخانه، تولید و اشتغال افزایش پیدا کند. یک مثال در این مورد «صنعت خودرو» است. از این صنعت ۳۰ سال حمایت شده و جلوی واردات خودرو هم تا حد زیادی گرفته شد، طوری که فقط چهل هزار خودرو در سال گذشته وارد شده و در مقابل ۱۶۲۰۰۰ خودروی تولید داخل داشته‌ایم. این مقدار توجه ویژه به این صنعت در شرایطی است که در این صنعت با تمام قطعه‌هایش، بیشتر از ۵۰۰۰۰ نفر شاغل نیستند. آیا نمی‌توان با خدمات پس از فروش خودروهای خارجی همین تعداد شغل

شوند، البته فازبندی و زمان بندی شده. این شعار دو مرحله زمانی دارد: یکی سال ۹۱ و دیگری به عنوان بخشی از یک پازل عمومی تر که در کنار سال های قبل و بعد قرار می گیرد. در این فضای عمومی، اولین نگرانی این است که یک برداشت واحد از این شعار، برای عاملان وجود نداشته باشد. ممکن است یک برداشت ۱۸۰ درجه با برداشت دیگر زاویه داشته باشد و خواهد ما را به سیاست های سال ۶۰ برگرداند؛ یعنی بستن درب ها و همان تلقی اشتباه از معنای خودکفایی. ولی توجه داشته باشیم که **مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ اللَّدَامَةُ**. یا در مورد واژه کار، اگر آن را درست معنی نکنیم، ممکن است دوباره به همان شعارهای سابق برگردیم. سرمایه هم اگر درست تبیین نشود، مشکلات و سوءظن هایی را به همراه خواهد داشت. علت برخی از کج فهمی ها می تواند در سکوت کسانی باشد که می دانند ولی حرف نمی زنند. این دسته وظیفه تاریخی خود را انجام نمی دهند؛ البته کسانی هم هستند که می دانند راه و روش درستی ندارند، ولی تعهد دارند که به روش خود ادامه بدهند. تولید ملی این است که چقدر بتوانیم ارزش افزوده در کشور ایجاد کنیم. چقدر رفاه را بالا ببریم و چه مقدار ثروت ملی تولید کنیم. چقدر کار ایجاد کنیم؟ برداشت غلط از تولید ملی، عدم توجه صحیح تولید ملی و الزامات تولید ملی، یکی از اشتباهاتی است که مرتکب می شویم. اگر این موارد اصلاح نشود، عده ای دلسوزانه کار را خراب می کنند. در رابطه با کار هم همین طور است. سرمایه ایرانی نیز به همین ترتیب، یعنی آنجا که ایرانی، سرمایه ای دارد و سرمایه فقط پول نیست: سرمایه دانش، سرمایه ارتباطات، و ... مجموعه این موارد به این برمی گردد که باید در مورد تولید ملی، کار ایرانی و سرمایه ایرانی وحدت نظر داشته و ترجمه ای عملیاتی برای این کار داشته باشیم. در رابطه با بینش فلسفی به تولید

ملی، باید درون زای برون نگر باشیم. یعنی ضمن نگاه به مسائل داخلی، توجه داریم که ره چنان رو که رهروان رفتند.

□ **آقای دکتر پژویان، جناب عالی بفرمایید. دکتر جمشید پژویان:** مناسب است به سال هایی که در آنها شعارهای اقتصادی داشته ایم، نگاه کنیم و ببینیم که در انتهای آن سال یا سال های بعد چه نتیجه ای گرفته ایم؟ در سالی که درباره الگوی مصرف صحبت شد، در آخر سال هیچ اتفاقی در این مورد نیفتاده بود ولی زمانی که یارانه ها هدفمند شد، الگوی مصرف تغییر کرد. رسیدن به اهدافی که برای نام گذاری سال ها وجود دارد، با دورهم نشستن و جلسه گذاشتن محقق نمی شود؛ به نقشه راه نیاز داریم. ابتدا نیاز است که جایگاهی، این مسئله را به صورت متمرکز هدایت کند. نه اینکه هر تشکیلاتی، برداشتی از آن داشته باشد و در جاده ای که خودش تعریف می کند، حرکت کند.

□ **به نظر می رسد دستیابی به تولید ملی، الزامات فراوانی دارد که یکی از مهم ترین آنها، تأمین مالی است. جناب آقای دکتر عابد، منتظر شنیدن نظرات جناب عالی درباره راه های تأمین مالی هستیم.**

دکتر محمد عابد: در نگاه عمل گرا به اقتصاد، نیاز است که ما بستر حقوقی مناسب را برای اقتصاد ایجاد کنیم. اگر بستر حقوقی مناسب باشد، اقتصاد هم شکل می گیرد و اگر نه، مافیا شکل می گیرد. ایجاد یک فضای کسب و کار و بستر حقوقی، ضروری است. یک دیدگاه توسعه صادرات لازم است که همه افراد به سمت صادرات پیش بروند، چون بازارهای رقابتی هستند که می توانند صنعت های مختلف و متفاوت را تبدیل به یک صنعت واحد کنند.

همان طور که اشاره شد، بحث دیگر در

مورد تأمین مالی است. همه بسترهای تأمین مالی در بورس شکل گرفته و حتی بازارهایی شکل گرفته که شرکت ها می توانند در پذیره نویسی اولیه وارد شوند و سهم، اوراق مشارکت و اوراق بهادار بفروشند. چند شرکت هم ورود پیدا کرده اند، اگر چه هنوز برخی از شرکت ها با این روند آشنا نیستند، ولی بازار آن شکل گرفته است. البته شرط حضور در بورس، کارایی شرکت است؛ این طور نیست که سهام هر شرکتی را بتوان در بورس یا فرابورس به فروش رسانید. وقتی شرکتی موفق باشد و ارزش افزوده تولید کند، بقیه هم راغب می شوند و سهام آن را می خرند و همین تأمین مالی، کارایی شرکت و کارخانه را افزایش می دهد. تقریباً تمام ابزارهای نوین مالی در بورس شکل گرفته است.

□ **جناب آقای مهندس نبوی، جناب عالی با توجه به سابقه ای که در مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت داشته اید، چه ارزیابی در مورد نام گذاری امسال به عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» دارید؟**

مهندس سیدمرتضی نبوی: در مورد چستی تولید ملی می توان شامل تولیدات کشاورزی و تولیدات صنعتی است که البته در اقتصادهای پیشرفته، خدمات هم جزء تولید ملی محسوب می شود. در اقتصاد پیشرفته، درصد بسیار بالایی از اقتصاد به بخش خدمات تعلق دارد و این همان خدمات پیشرفته ای است که در مورد دولت الکترونیک و سیستم های ICT بیان می شود؛ همچنین خدمات نوین مالی و پشتیبانی های مربوط به آن که به بحث تولید کمک می کنند. لذا خدمات را هم باید جزء تولید ملی به حساب آورد.

در مورد چستی تولید ملی باید به این نکته اشاره کرد که اقتصاد کشورها در دنیا با هم مقایسه می شوند. چنانچه اقتصاد کشور، به صحنه اقتصاد بین المللی توجه نکند، نمی تواند پیشرفت سازنده ای را به ارمغان آورد. در سند چشم انداز هم

جایگاه اول اقتصادی در منطقه، برای ایران پیش‌بینی شده است.

در مورد چرایی تولید ملی می‌توان گفت ما اگر چه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی، برای جهان اسلام الهام‌بخش و الگوآفرین بوده‌ایم، اما در اقتصاد حرف مهمی برای گفتن نداشته‌ایم؛ لذا در این خصوص نیاز است الگوی موفق‌تری ارائه دهیم.

در مورد چگونگی تولید ملی به نظر می‌رسد که باید از آسیب‌شناسی شروع کرد و در این میان موانع تولید ملی را نباید از نظر دور داشت.

دولت‌هایی که متکی به درآمدهای مالیاتی هستند، چون نیازمند دریافت مالیات از مردمانند، در قبال عملکردها و تصمیمات خود در مقابل مردم پاسخگو هستند و این امر به شکوفایی اقتصاد آنها کمک شایانی می‌کند و دولت نیز در پرتو آن کارآمدتر می‌شود. از طرف دیگر رضایت مردم از مسئولان باعث پرداخت به‌موقع مالیات توسط آنان می‌شود.

برای بهبود شرایط اقتصادی نیاز است که حکومت در پی دستیابی به کارآمدی باشد و این کارآمدی در گرو افزایش تولید ناخالص داخلی است که در کنار آن رشد درآمد مالیاتی و در ورای آن حمایت از تولید را شاهد خواهیم بود. اگر کشور بخواهد در مسیر عدم‌وابستگی به نفت گام بردارد، در ابتدا توجه به صندوق توسعه ملی و سپس توجه به سیاست‌های ابلاغی در برنامه پنجم از طرف مقام معظم رهبری این امکان را فراهم می‌آورد که دولت چشم به منابع نفتی نداشته و روی فروش حاصل از آن حساب ویژه‌ای باز نکند و سرمایه صندوق توسعه ملی در خدمت تولید ملی قرار بگیرد.

در بحث از تولید ملی، مسئله سیاستگذاری نیز مهم است. امروزه هیچ اقتصادی با رویکرد بازار-بازار عمل نمی‌کند، بلکه این رویکرد دولت-بازار است که مورد اقبال است. دولت‌ها نقش

ویژه‌ای در اقتصاد دارند و این نقش را از طریق مقررات و تنظیم بازار و نظارت بر آن ایفا می‌کنند، نه از طریق دخالت مستقیم. اما در مقام آسیب‌شناسی و به‌عنوان مثال به مشکلی در نظام تصمیم‌گیری اقتصادی می‌توان اشاره کرد. سیاست‌های کلی نظام توسط مقام معظم رهبری و با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نهایی می‌شود. از طرفی یک سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز وجود دارد. بعد از اینکه رهبر معظم انقلاب سند چشم‌انداز را ابلاغ کردند، باید سیاست‌هایی تنظیم شود که در جهت تحقق اهداف کلان چشم‌انداز باشد. در بحث‌های کلان مدیریتی، برنامه‌های پنج‌ساله باید به نوعی باشند که یک چهارم از اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله را تحقق بخشند. یعنی یک ارتباط منطقی بین برنامه پنج‌ساله و چشم‌انداز ۲۰ ساله وجود داشته باشد که مهم‌ترین بخش این ارتباط منطقی در چگونگی تنظیم بودجه‌های سالیانه است. در حقیقت، بودجه، برنامه یک ساله و یک پنجم از برنامه پنج‌ساله

وظیفه اصلی نظام مالی کاهش ریسک و ایجاد اطمینان برای عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه است. نظام مالی، اولاً نیاز به یک بستر حقوقی دارد، که البته شامل حقوق مالکیت هم می‌شود، ثانیاً قدرت نظارت و تنظیم برای جلوگیری از انواع کلاهبرداری‌ها و سوءاستفاده‌ها در چنین بازاری ضروری است.

و یک بیستم از اهداف چشم‌انداز را تأمین می‌کند. این عمل ارتباط منطقی را بین برنامه‌های یک‌ساله، پنج‌ساله و سند چشم‌انداز برقرار می‌کند.

نتیجه‌ای که از این بحث گرفته می‌شود، همان‌طور که در برخی از میزگردهای قبلی هم مورد توجه قرار گرفته، این است که نیاز به یک جایگاه و قرارگاه مرکزی داریم که یک نظارت و اشراف کلی از بالا داشته باشد و بتواند فرایند ارتباط منطقی چشم‌انداز، سیاست‌های کلان، برنامه‌ها و سیاست‌های پنج‌ساله و یک‌ساله را رصد کند. این قرارگاه باید آسیب‌شناسی جامع و مانعی از شرایط اقتصادی داشته و حلقه‌های مفقوده اقتصاد کشور را تشخیص دهد. به چنین نهاد فراقوه‌ای نیاز است تا با هوشمندی، کنترل اقتصاد کشور را در دست داشته باشد. این نهاد با حضور اقتصاددانان و سیاستگذاران، نقش مراقب و تشخیص خلأ و پیدا کردن مشکلات اقتصادی و ارائه راه‌حل را برعهده دارد. این نهاد فراقوه‌ای می‌تواند به نام قرارگاه مرکزی یا شورای عالی اقتصادی نامگذاری شود.

ذکر این مطلب در مورد چگونگی تولید ملی ضروری است که برای گذر از شرایط فعلی به سمت شرایط مطلوب، نیاز به نقشه راه است که طراحی این نقشه راه وظیفه همان شورا یا نهادی است که توانایی مطالعه در این زمینه را داراست. این نهاد و شورا به عنوان یک مرکز هوشمند عمل کرده و سکان هدایت اقتصاد را در دست می‌گیرد. همچنین نیاز است که قوانین اقتصادی حاکم بر کشور بازبینی شده و مسیر اصلاحی در این خصوص طی شود. به علاوه، خلأ قوانین در کشور ملموس بوده و به تصویب قوانین جدیدی در موضوعات اقتصادی نیاز است. یک سری از قوانین نیاز به اصلاح و به‌روزرشدن و متناسب‌شدن با ابزار جدید روز دارند که صرفاً در حوزه خدمات بازرگانی و تجارت نیست، بلکه خدماتی همچون تأمین مالی و خدمات

بانکداری الکترونیک هم وجود دارند که همه در خدمت تولید هستند.

با توجه به تجارب دنیا در مورد فعالیت نهادهای تأمین مالی، نیاز است که نظارت دولت و عملکرد بخش خصوصی نیز قانونمند شده و تحت مقرراتی خاص، حقوق مردم نیز در کنار این فعالیتها رعایت شود. همچنین نیاز است که از افراط و تفریط پرهیز شده و حد میانه را مد نظر قرار داد، به طوری که دولت رقیب بخش خصوصی نشود و مقررات طوری نوشته و اجرا گردد که بخشهای دولتی و خصوصی در جایگاه خود به ایفای نقش بپردازند و همه در برابر قوانین و مقررات مساوی باشند.

نگرانی برخی از دوستان، در مورد برگشتن به سیاستهای اقتصادی دهه ۶۰، بجاست. این سیاست که بگوئیم آلا و لابد هر چه در داخل تولید می شود، مصرف شود، سیاست اشتباهی است. توسعه ما باید درونزا ولی حتماً برون گرا باشد. اگر مرزهای رسمی و واردات بسته شوند، از مرزهای غیررسمی کالای باکیفیت تر و ارزان تر وارد می شود که با قوه قهریه هم نمی توان جلوی آن را گرفت. پس حتماً باید تصمیمات ما به نحوی باشد که تولیدکننده داخلی به رقابت، بالابردن کیفیت و پایین آوردن قیمت فکر کند. این سیاست اشتباه است که از هر چه که در داخل تولید می شود، حمایت کنیم. این سیاست شکست خورده و معایب زیادی دارد که در این مورد مقالات متعددی هم نوشته شده است. این سیاست باعث می شود فناوری پیشرفت نکند، صنایع معیوب شکل بگیرد و ...

▣ به نظر می رسد تمرکز بر بحث «چگونگی تأمین منابع مالی» برای توسعه کشور و دستیابی به اهداف تولید ملی، بسیار ضروری است. بدون تأمین مالی مناسب، رشد اقتصادی در هیچ بخشی حاصل نمی شود. جناب آقای دکتر دانش جعفری در ادامه بحث

علاقه مندییم نظر شما را درباره چگونگی تأمین مالی جویا شویم.

دکتر داود دانش جعفری: در بحث از «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نظام مالی و راه تأمین مالی برای تولید ملی، بحث بسیار مهمی به شمار می آید.

به طور کلی می توان گفت رشد اقتصادی و تولید در هر کشوری، به توانایی بنگاههای اقتصادی در توسعه کارها بستگی دارد، بنگاهها نیز برای توسعه، نیازمند ماشین آلات و تجهیزات جدید، ساختمان، خرید فناوری، پرداخت دستمزد بیشتر به کارکنان و... هستند که همه این موارد، نیاز مالی دارد. بنگاهها ممکن است بخشی از نیاز مالی خودشان را از داخل شرکت (و از طریق سهام) تهیه کنند و از طریق منابع حاصله، مجدداً به سرمایه گذاری بپردازند. سرمایه اولیه یا سرمایه سهامداران (که بعداً تهیه می شود)، یا سود سرمایه، منبع مالی داخلی است که در بهترین شرایط می تواند یک سوم نیاز مالی را از منابع

داخلی تأمین کند، ولی چون منابع دیگر ارزان ترند، بسیاری از شرکتها دوست دارند از منابع خودشان کمتر استفاده کنند و بیشتر از منابع دیگران، مانند بانکها بهره مند شوند.

نظام مالی شامل مجموعه فعالیتهایی است که در جهت تأمین وجوه لازم برای فعالیت اقتصادی تعریف شده است که از طریق بانکها، بورس، منابع خارجی و یا از طریق منابع داخلی خود شرکت این نیاز تأمین می شود.

این چهار مورد، مجموعه نظام مالی کشور را تأمین می کنند. نظام مالی کارآمد، نظامی است که بتواند نیاز مالی لازم برای اهداف اقتصادی را تأمین کند. بدون داشتن نهادهای لازم برای تجهیز منابع و به کارگیری این منابع در سرمایه گذاریهایی که توجیه اقتصادی داشته باشد، نظام مالی شکل نمی گیرد. نظام مالی از یک طرف باید در تشویق ایجاد منابع مالی - مانند پس اندازها - نقش داشته و از طرف دیگر در به کارگیری این منابع کارآمدی داشته باشد.

در مواردی که به کارگیری منابع به خوبی انجام نمی شود و سرمایه گذاری توجیه اقتصادی ندارد، منابع، بازگشت پیدا نمی کند و عملاً حرکت اقتصادی متوقف می شود؛ مانند معوقات بانکی که امروزه مطرح است. وقتی که درصد زیادی از منابع سیستم بانکی، بر نمی گردد، سیستم بانکی به عنوان مهم ترین عنصر نظام مالی دچار توقف می شود و عملاً وظیفه خودش را انجام نمی دهد.

برای ترسیم بهتر شرایط تأمین مالی در کشور، مقایسه ای بین ایران و ۱۱ کشور و متوسط کشورهای خاورمیانه انجام شده است که به صورت خلاصه در جدول شماره «۱» آمده است. کشورهای انتخاب شده عبارتند از: چین، هند، اندونزی، اردن، کره جنوبی، مالزی، مکزیک، آفریقای جنوبی، تایلند، ترکیه، امارات و متوسط خاورمیانه. جدول زیر، ظرفیت اعتباردهی بانکها را

اگر سرمایه ها در بخش

تولید به درستی هدایت

شوند و قانون هم بر

اساس حمایت واقعی از

مصرف کننده تنظیم شده

باشد، با تغییر کیفیت کالا

و ایجاد قابلیت رقابتی،

شرایط تولید ملی هم

در وضعیت بهتری قرار

خواهد گرفت.

نشان می‌دهد، که بر حسب ظرفیت تولید است.

برای گرد (رُند) شدن ارقام، آن را بر حسب ظرفیت تولید مقایسه می‌کنند تا مشخص شود که سیستم بانکی چند درصد از GDP را می‌تواند اعتبار بدهد. چین می‌تواند ۱۳۲٪ از GDP خودش را تأمین اعتبار کند. یعنی بانک‌های چین می‌توانند ۱۰۰ درصد از GDP خود را تأمین اعتبار کرده و ۳۲٪ آن هم باقی بماند. بقیه کشورها را نیز می‌توان به همین ترتیب بررسی کرد. این رقم در آفریقای جنوبی، فوق‌العاده است.

جدول زیر مقدار بهره حقیقی (تفاوت سود بانکی و تورم) را نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل برای تحرک سیستم بانکی بوده و می‌تواند منابع را جذب کند. مثبت‌بودن و یا حداقل صفر بودن این رقم در سیستم بانکی خوب است. اگر این رقم منفی باشد، نشانه این است که منابع بانک‌ها کم شده و یا بسیاری از منابع در سیستم بانکی به کار گرفته نشده‌اند. در موارد علامت سؤال، میزان بهره حقیقی به دست نیامده است.

جدول شماره «۲»، ارزش سهام معامله‌شده بر حسب GDP را در این ۱۲ کشور نشان می‌دهد که یکی دیگر از عناصر نظام مالی محسوب می‌شود. سهام معامله‌شده در هر نظام مالی، بانکی و بازارهای مالی بسیار تعیین‌کننده هستند. نماد بازارهای مالی نیز در بورس قرار دارد. بنابراین بورس هرچه قوی‌تر باشد، راه تأمین مالی نیز هموارتر می‌شود. امکان تأمین بازار اولیه در بورس فراهم است که این کار از طریق چاپ سهام جدید و فروش آن در بورس انجام می‌شود. ارزش سهام معامله‌شده که ظرفیت بورس را نشان می‌دهد، در جدول شماره «۳» ذکر شده است.

رکن رسم در تأمین مالی، استفاده از منابع خارجی است و بخشی از نیاز مالی یک کشور ممکن است از خارج

تهیه شود. جدول زیر میزان استفاده از منابع خارجی را به میلیارد دلار نشان می‌دهد. در این جدول اعتبارات خارجی استفاده‌شده توسط بخش خصوصی، بدون تضمین دولت ذکر شده است. این نکته مهم است که هیچ مبلغی را بانک‌های خارجی به شرکت‌های خصوصی ما وام نمی‌دهند، مگر اینکه وزارت اقتصاد یا بانک مرکزی بازگشت آن وام را تضمین کرده و ضمانت لازم را ارائه کرده باشد، ولی مواردی که در جدول زیر آمده، مواردی است که بدون تضمین دولت‌ها، کشورهای خارجی به بخش خصوصی کشور دیگر وام داده‌اند. یک دلیل مهم در کشورهایی که اعتبارات خارجی استفاده‌شده توسط بخش خصوصی و بدون تضمین دولت بالاست، این است که از بازگشت سرمایه و اعتبار، اطمینان وجود دارد، مانند شرایطی که باعث جذب ۱۲۷ میلیارد دلار در ترکیه شده است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به معنای سرمایه‌گذاری است که توسط خارجی‌ها انجام می‌شود و مدیریت آن هم در اختیار خودشان است. یعنی در واقع، وام نیست. این نوع سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور

به نظر من تفسیر «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایران» این است که ما در تولید ملی باید یک استراتژی برون‌گرا داشته باشیم و تولید ما همراه با رقابت با تولیدات بین‌المللی ارتقا پیدا کند؛ یعنی هم از نظر قیمت و هم کیفیت با محصولات خارجی قابل رقابت باشد.

مربوطه نیز تأثیرگذار است.

جدول شماره «۶» نسبت تسهیلات معوق (برگشت‌نشده) به کل تسهیلات را نشان می‌دهد. ایران حدود ۲۵٪ است، یعنی حدود یک چهارم از وام‌های داده‌شده، برگردانده نشده است. اگر نسبت تسهیلات معوق به کل تسهیلات بیشتر از ۵٪ باشد، هشداردهنده است.

جدول شماره «۷» در مورد میزان تورم است. این تورم با مقدار بهره حقیقی ارتباط دارد. البته ترکیه که در شرایط زمانی ۲۰۰۷-۲۰۰۰ میلادی، دارای میزان تورم ۱۸/۶ بوده است، اکنون تجدیدنظر کرده و دارای تورم زیر ۱۰ است.

در سال‌های گذشته، هر بار که برای تأمین منابع مالی مورد نیاز فکری می‌شده، اصولی و صحیح نبوده است و همیشه حجم پول را زیاد کرده و اسکناس بیشتری چاپ کرده‌ایم، در حالی که کشورهایی که تدبیر بهتری داشته‌اند، منابع را از داخل جامعه جمع کرده‌اند؛ مثلاً از طریق پس‌اندازها و بورس. هر قدر حجم پول و پایه پولی زیاد شود، اثر منفی آن در اقتصاد باقی می‌ماند و تورم افزایش می‌یابد. نکته دیگر اینکه هر قدر نرخ بهره حقیقی را پایین بیاوریم، سرمایه‌گذاری‌ها و تولید، وضعیت بهتری پیدا می‌کنند. در کاهش بهره حقیقی، افزایش نیافتن تورم هم لحاظ می‌شود، ولی راه پایین آوردن میزان بهره حقیقی، فقط از طریق کاهش تورم است. وقتی تورم بالا باشد در اکثر سال‌ها، نرخ بهره هم منفی می‌شود و به همان نسبت قدرت جذب منابع هم کاهش می‌یابد. یعنی بخشی از پس‌اندازکننده‌ها تمایلی ندارند که پولشان را در اختیار سیستم بانکی قرار دهند و سیستم بانکی ضعیف می‌شود و نمی‌تواند منابع مالی لازم را تجهیز کند.

اگر در تحلیل خود هیچ جایگاهی را برای سرمایه‌های خارجی در نظر نگیریم، بانک و بورس، منابع اصلی تأمین مالی را شکل می‌دهند. در این روندها، استفاده نکردن از منابع بانک مرکزی بسیار مهم است. لازم

است عملکرد سیستم به نحوی باشد که منابع مالی طرح‌های بزرگ به خوبی تأمین شود.

□ اما آیا ما منابع داریم، ولی نمی‌توانیم استفاده کنیم یا اینکه اصلاً منابع هم کم است؟ ظاهراً ما کمبود منابع نداریم. شاید ریشه اصلی این مشکل این باشد که در بخش تولید، شرایط مناسب برای جذب سرمایه‌ها و منابع وجود ندارد، تا بتوان به راحتی اهداف تولید ملی را محقق کرد. البته نحوه استفاده درست از منابع هم بسیار مهم است. منابع خوبی هم به نظام پیمانکاری و هم به تولید تزریق می‌شود، ولی این منابع درست استفاده نمی‌شوند.

دکتر درویش‌زاده: به نظر می‌رسد مشکل در سرعت گردش اعتبارات و منابع است؛ نه در خود منابع.

دکتر دانش‌جعفری: اگر منابع به درستی پرداخت و در محل مناسب هم استفاده شوند، به خوبی برگشت‌پذیر است. موجودی انبار، بخشی از اقتصاد است که هیچگاه استفاده نمی‌شود. آنچه تولید می‌شود، توسط مردم، دولت یا بنگاه‌های اقتصادی مصرف شده و یا صادر می‌شود. اگر مجموع این موارد از کل تولید کمتر باشد، آن مقداری که کمتر است، موجودی انبار نام دارد. این موجودی انبار در ایران حدود ۷/۳ درصد است و متوسط جهانی آن یک است. علت انبار کردن معمولاً نوعی نگرانی از آینده است.

دکتر یحیوی: آیا نظام اقتصادی کشور، فکری برای منابع مالی نمی‌کند یا بیشتر از این توان ندارد؟

دکتر دانش‌جعفری: هر دو مورد دخیل است. در بسیاری از طرح‌ها پیش‌بینی دقیقی برای تأمین منابع مالی نمی‌شود و از طرف دیگر برای هر طرحی نیز تأمین مالی دشوار است.

□ به نظر می‌رسد اگر محیط کسب و کار مناسب باشد، به جای اینکه منابع مالی وارد دلالتی شود، در سرمایه‌گذاری وارد

خواهد شد.

دکتر دانش‌جعفری: یکی از مشکلات ما این است که سهم بخش خدمات در اقتصاد ایران، تنها حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد است، و قسمت خیلی کمی از آن مربوط به دلالتی است، بقیه بخش‌های خدمات شامل آموزش، حمل و نقل، ساختمان و... است. ضمن اینکه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، بخش خدمات را تقویت کرده و حدود ۷۴ درصد از اقتصاد خود را در این بخش دیده‌اند. در توزیع منابع بانکی، نگاهی منفی به بخش خدمات وجود دارد و به نوعی تمام آن را دلالتی می‌دانند. بنابراین کل منابعی که به بخش خدمات اختصاص می‌یابد، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد است؛ در حالی که سهم بخش خدمات در اقتصاد، بیشتر از این مقدار است، بسیاری از شرکت‌ها در بخش خدمات فعال‌اند و طبق قاعده باید از سهم خود در اقتصاد برخوردار باشند، ولی هنگام سیاست‌گذاری، بخش کمتری از تسهیلات به خدمات اختصاص می‌یابد. این فقدان تخصیص صحیح منابع را با توجه به سهم هر بخش در اقتصاد، در بخش‌های دیگر هم می‌توان دید. به عنوان مثال سهم بخش کشاورزی در اقتصاد حدود ۱۰٪ است، ولی منابع بانکی اختصاص یافته به این بخش حدود ۲۵ درصد. این عدم تعادل در سیستم توزیع منابع، باعث ناکارآمدی آن شده است.

□ در ادامه منتظر نظرات سایر دوستان هستیم. آقای دکتر حقیقی بفرمایید.

دکتر حقیقی: یک موضوع بسیار مهم، تأمین مالی توسعه است. یعنی می‌خواهیم تولیداتی انجام دهیم که طرح توجیهی آن هم آماده است ولی تأمین مالی لازم انجام نشده است. از این حالت تعبیر به «نیاز وجوه» می‌شود که در کتاب‌های اقتصادی «تقاضای وجوه» نامیده می‌شود. کسی که نیازمند وجوه است، وارد بازاری به نام «بازار وجوه» می‌شود. در کنار متقاضی وجوه، چند متقاضی دیگر هم حضور دارند. در این بازار کسانی هستند که وجوهی را در اختیار دارند و تحت شرایطی آن را

در اختیار متقاضیان وجوه قرار می‌دهند. شرایطی مانند اینکه نرخ سودی که پرداخت می‌گردد، چقدر باشد؟ نرخ سود بقیه بازارها چقدر است؟ مقدار پولی که در اختیار صاحبان وجوه است، چه اندازه است؟ ریسک (نااطمینانی) موجود در بازار چقدر است؟

ریسک عامل بسیار مهمی است که ناشی از نداشتن اطمینان و اعتماد است. در این میان سیستمی به نام نظام مالی شکل می‌گیرد که در شکل کلی آن نه عرضه‌کننده‌ها، متقاضیان را می‌شناسند و نه متقاضیان، عرضه‌کننده‌ها را و لذا نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند. وظیفه اصلی نظام مالی کاهش ریسک و ایجاد اطمینان برای عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه است. نظام مالی علاوه بر تمام مطالبی که آقای دکتر دانش‌جعفری گفتند، اولاً نیاز به یک بستر حقوقی دارد، که البته شامل حقوق مالکیت هم می‌شود، ثانیاً قدرت نظارت و تنظیم برای جلوگیری از انواع کلاهبرداری‌ها و سوءاستفاده‌ها در چنین بازاری ضروری است. تخصیص کارآمد وجوه در اقتصاد نیازمند سیستمی است که نظارت دقیق داشته باشد و بتواند تشخیص دهد که چه کسی دارای ریسک بالا در این بازار است تا از معامله او جلوگیری کند.

□ آقای دکتر عابد، اگر نکته‌ای مد نظر جنابعالی است، بفرمایید.

دکتر عابد: بحث این است که ما در الگوی نظام دولتی صحبت می‌کنیم، ولی تخصیص منابع، تخصیص منابع بازار است. یعنی باید فضای کسب و کار تشکیل شود. اگر فضای کسب و کار مناسب باشد، آزادی عمل وجود داشته باشد، بستر حقوقی و نظارتی کارآمد باشد و سیاست‌گذاری باثبات، تخصیص منابع بهینه انجام می‌گیرد.

□ از همه شما اساتید به خاطر حضور دوستانه در این نشست سپاسگزار می‌کنیم.

ظرفیت اعتباردهی بانک‌ها برحسب ظرفیت تولید GDP	کشور / منطقه (۲۰۰۷)
٪۱۳۲	چین
٪۶۴/۲	هند
٪۴۰/۵	اندونزی
٪۵۰/۵	ایران
٪۱۲۳/۵	اردن
٪۱۱۰	کره جنوبی
٪۱۱۳	مالزی
٪۳۷/۷	مکزیک
٪۱۹۸	آفریقای جنوبی
٪۱۰۵	تایلند
٪۴۸/۷	ترکیه
٪۶۶/۶	امارات
٪۴۷/۸	متوسط خاورمیانه

جدول شماره «۱»

میزان بهره حقیقی (تفاوت سود بانکی و تورم)	کشور / منطقه (۲۰۰۷)
۰	چین
۷/۸	هند
۳/۲	اندونزی
-۷	ایران
۲/۶	اردن
۵/۳	کره جنوبی
۱/۲	مالزی
۲/۷	مکزیک
۳/۹	آفریقای جنوبی
۳/۷	تایلند
؟	ترکیه
؟	امارات
؟	متوسط خاورمیانه

جدول شماره «۲»

کشور / منطقه (۲۰۰۷)	ارزش سهام معامله شده بر حسب GDP
چین	٪۲۴۲
هند	٪۹۴
اندونزی	٪۲۶
ایران	٪۲/۹
اردن	٪۱۱۰
کره جنوبی	٪۲۰۳
مالزی	٪۸۰
مکزیک	٪۱۱
آفریقای جنوبی	٪۱۵۰
تایلند	٪۴۴
ترکیه	٪۴۶
امارات	٪۶۹
متوسط خاورمیانه	٪۱۸/۸

جدول شماره «۳۳»

کشور / منطقه (۲۰۰۷)	اعتبارات خارجی استفاده شده توسط بخش خصوصی بدون تضمین دولت (میلیارد دلار)
چین	۸۲
هند	۱۰۲
اندونزی	۳۷
ایران	کمتر از ۱
اردن	؟
کره جنوبی	؟
مالزی	۲۰
مکزیک	۶۳/۷
آفریقای جنوبی	۱۲/۹
تایلند	۳۱/۵
ترکیه	۱۲۷
امارات	؟
متوسط خاورمیانه	؟

جدول شماره «۴»

جدول شماره «۵»

کشور / منطقه (۲۰۰۷)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی F.D.I (میلیارد دلار)
چین	۱۳۸
هند	۲۳
اندونزی	۶/۹
ایران	کمتر از ۱
اردن	۱/۸
کره جنوبی	۱/۶
مالزی	۸/۵
مکزیک	۲۴/۷
آفریقای جنوبی	۵/۷
تایلند	۹/۵
ترکیه	۲۲
امارات	؟
متوسط خاورمیانه	؟

جدول شماره «۶»

کشور / منطقه (۲۰۰۷)	نسبت تسهیلات معوق برگشت‌نشده (درصد)
چین	٪۶/۷
هند	٪۲/۵
اندونزی	٪۹/۳
ایران	٪۵/۲
اردن	٪۱/۴
کره جنوبی	٪۰/۷
مالزی	٪۶/۶
مکزیک	٪۲/۵
آفریقای جنوبی	٪۱/۴
تایلند	٪۷/۹
ترکیه	٪۳/۶
امارات	٪۶/۳
متوسط خاورمیانه	؟

جدول شماره «۷»

کشور / منطقه (۲۰۰۷)	نرخ تورم (۲۰۰۷ - ۲۰۰۰ میلادی)
چین	۲/۲
هند	۴/۸
اندونزی	۹/۳
ایران	۱۵/۱
اردن	۴/۲
کره جنوبی	۳/۱
مالزی	۲/۳
مکزیک	۴/۵
آفریقای جنوبی	۳/۴
تایلند	۳/۰
ترکیه	۱۸/۶
امارات	؟
متوسط خاورمیانه	؟